



اقتصاد مواد مخدر

منبع: مجله اکونومیست

مترجم: سیدحسین علوی لنگرودی



به هرکجای سرزمین افغانستان که قدم می‌گذارید، بوی تند مواد مخدر به مشامتان می‌رسد، حتی اگر در درون یک هلی‌کوپتر Black Hawk متعلق به نیروهای ناتو در افغانستان نشسته باشید! سربازان ناتو، مستقر در استان هلمند افغانستان، در گشت‌های هوایی و حتی زمینی خود، به مزارع مملو از شکوفه‌های بنفش و صورتی خشخاش برخورد می‌کنند، اما قادر به انجام کاری جهت توقف تولید مواد مخدر نیستند. آنها از بیم حملات تلافی‌جویانه جنگجویان طالبان و مخالفت روستاییان افغان، از هرگونه اقدامی برای نابودکردن مزارع کشت خشخاش در افغانستان پرهیز می‌کنند.

درواقع، اقتصاد مواد مخدر، موتور محرکه و پیش‌راننده نیروهای شبه‌نظامی طالبان در افغانستان بشمار می‌آید و این دو، علت و معلول یکدیگرند: اگر مواد مخدری نباشد، طالبانی نخواهد بود و اگر طالبانی نباشد، مزارع مواد مخدری. نکته جالبتر در این مورد آنکه طی سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از سرنگونی دولت طالبان و تصرف این کشور از سوی آمریکا، روند کاشت و تولید انواع مواد مخدر در افغانستان، به‌شدت افزایش یافته و این امر در استان هلمند افغانستان، جلوه‌ای دیگر و ابعادی عمیق‌تر و گسترده‌تر داشته است^(۱).

براساس جدیدترین گزارش اداره مواد مخدر و جرایم سازمان یافته سازمان ملل (UNODC)، استان هلمند افغانستان از نظر میزان تولید مواد مخدر در این کشور رکورددار است، به‌نحوی که تولید تریاک و هرویین در این استان، بیش از مجموع کل هرویین و تریاک تولیدی سایر استان‌های افغانستان می‌باشد. به‌طورکلی، افغانستان، در حال حاضر، به‌عنوان مهمترین قطب تولید مواد مخدر جهان در نظر گرفته می‌شود و از این حیث بر منطقه مثلث طلایی شامل کشورهای تایلند، میانمار و لاوس، که زمانی کانون اصلی تولید مواد مخدر جهان بودند، پیشی گرفته است.

با اینهمه، در جدیدترین گزارش مواد مخدر UNODC، که در ۲۶ ژوئن ۲۰۰۷ انتشار یافته است، بارقه‌های امید و بهبودی اوضاع مشاهده می‌شود. این گزارش جامع و جالب، حکایت از آن دارد که بازار تولید، توزیع و مصرف انواع مواد

مخدر شامل هرویین، کوکائین، آمفتامین و حشیش در افغانستان، دچار رکود شده است، هرچند که این رکود در مورد کوکائین، در حال کاهش است. به‌هرحال، با کاهش سطح کشت مواد مخدر در افغانستان، این امید به‌وجود خواهد آمد که سطح اثرگذاری متقابل مواد مخدر و طالبان برهم، کاهش یابد و راهی برای حل این معمای پیچ‌درپیچ یافته شود.

آمار و ارقام تولید انواع مختلف مواد مخدر در افغانستان، واقعاً تکاندهنده است: براساس آمار رسمی دولت افغانستان، در حال حاضر، بیش از ۲۶ درصد هرویین و ۴۲ درصد کوکائین جهان در این کشور تولید می‌شود. چنین آمار و ارقامی از آنجا نگران‌کننده‌تر می‌شود که به‌عنوان مثال، تولید حشیش در مراکش، که تا چندی پیش، ۷۰ درصد حشیش موردنیاز اروپا را تامین می‌کرد، به‌شدت کاهش یافته است. لذا قابل‌پیش‌بینی است که تقاضای روبه‌افزایش اروپا برای مصرف حشیش، از کجا برآورده می‌شود.

تجارت مواد مخدر جهان، پرسودترین و عظیم‌ترین تجارت غیرقانونی در جهان محسوب می‌شود، به‌نحوی که براساس گزارش اخیر UNODC، ارزش کل تجارت مواد مخدر در سال ۲۰۰۶، بیش از ۳۲۰ میلیارد دلار بوده است که بسیار بزرگتر از تجارت قاچاق انسان (۳۲ میلیارد دلار) و تجارت غیرقانونی اسلحه و جنگ‌افزار (یک میلیارد دلار) می‌باشد. جالبتر آنکه بیش از ۶۰ میلیارد دلار از مواد مخدری که در جریان تجارت ۳۲۰ میلیارد

اقتصاد مواد مخدر،
موتور محرکه و
پیش‌راننده
نیروهای
شبه‌نظامی طالبان
در افغانستان
بشمار می‌آید.

**میانگین درآمد یک
افسر پلیس
افغانستان در استان
هلمند، ماهانه ۱۰۷۰
دلار است که هزار
دلار آن به صورت
رشوه و
پرداخت‌های
غیرمجاز و فقط ۷۰
دلار به صورت
حقوق ماهانه و
رسمی است!**

چرا و به چه علت؟

یکی از پرسش‌های کلیدی که مدت‌هاست ذهن آگاهان مسائلی افغانستان را به خود مشغول کرده است، مربوط می‌شود به دلیل ناکامی دولت افغانستان و نیروهای ناتو در مهار کاشت و تولید گسترده مواد مخدر در این کشور. اگرچه نیروهای ناتو و به‌ویژه آمریکایی‌ها دست به اقدامات جالبی همچون سمپاشی هوایی مزارع خشخاش با هدف نابودی این مزارع و وادار ساختن کشاورزان به کاشت محصولات کشاورزی جایگزین زده‌اند، اما میزان کامیابی آنها در این بخش بسیار اندک و محدود بوده است. به‌عقیده کارشناسان مسائلی مواد مخدر، صرف دادن هشدار یا انگیزه به کشاورزان، برای منصرف کردن آنها از ادامه کاشت خشخاش کفایت نمی‌کند، چون که به‌سختی می‌توان این افراد را از کاشت محصولی گرانبه‌تر و پرطرفدار بازداشت و در مقابل آنها را به کاشت محصولاتی چون گندم واداشت که درآمدی حدود یک‌هشتم یا یک‌دهم کاشت خشخاش را نصیب آنها می‌سازد. از سویی دیگر، بسیاری از دول اروپایی و حتی دولتمردان افغان، به‌علت ترس از گرایش یافتن و متوسل شدن کشاورزان و افرادی که منبع درآمد اصلی‌شان، تولید مواد مخدر است، به سمت طالبان، نسبت به برنامه‌هایی چون ریختن مواد سمی و نابودکننده بر روی مزارع خشخاش به صورت هوایی و یا آتش زدن این مزارع، موضع منفی و مخالف می‌گیرند.

رفتار عجیب سربازان و فرماندهان انگلیسی مستقر در افغانستان، درقبال مساله مواد مخدر نیز در نوع خود جالب و پرسش‌برانگیز است. انگلیسی‌ها، از ماه آوریل، اقدام به راه‌اندازی یک رادیوی محلی در استان هلمند نموده‌اند که در برنامه‌های روزانه‌اش، به کشاورزان افغان این اطمینان را می‌دهد که سربازان انگلیسی به‌هیچ‌عنوان قصد ویران کردن مزارع خشخاش و نابود کردن منبع درآمدی آنها را ندارند و اینکه انگلیسی‌ها برای ساختن افغانستان و تامین رفاه مردم

دلاری مواد مخدر جهان ردوبدل می‌شود، در مزارع افغانستان تولید می‌گردد. مسیرهای انتقال مواد مخدر در جهان نیز در سال‌های اخیر تغییر پیدا کرده است. مثلاً از آفریقای جنوبی به آمریکا و یا از طریق پاکستان و کشورهای آسیای میانه به چین و...

بازار شگفت‌انگیز مواد مخدر و اقتصاد پیچیده برآمده از آن، کارشناسان را گیج و مبهم ساخته است: درحالی که کارشناسان و آگاهان امور مواد مخدر از پیشی گرفتن عرضه مواد مخدر بر تقاضا برای آن سخن می‌گویند، هنوز هم شاهد افزایش قیمت مواد مخدر هستیم! باید دانست که نقش واسطه‌ها در این افزایش قیمت ناچیز است، چون که این افزایش قیمت در عین کاهش تقاضا (بنابه‌ادعای مقامات رسمی کشورها و نهادهای بین‌المللی)، در نزد کشاورزان و حتی تبدیل‌کنندگان مواد مخدر نیز مشهود و ثابت شده بوده است.

تا پیش از سقوط حکومت طالبان در افغانستان در سال ۲۰۰۱، رسانه‌های جمعی جهان، بارها طالبان را به‌خاطر عدم مبارزه با تولید مواد مخدر و حتی حمایت از تجارت این بالای خانمانسوز، مورد سرزنش و انتقاد قرار می‌دادند، حال آنکه طالبان، یک سال پیش از سقوط حکومتشان، دست به کاری بزرگ و بی‌سابقه زدند و با تحریم سراسری - ولو کوتاه‌مدت - تولید مواد مخدر در افغانستان، این آفت بزرگ را در خاک افغانستان ریشه‌کن کردند. اما جانشینان غربی طالبان نتوانستند [یا نخواهند؟!] گامی در جهت توقف و یا حتی کاهش سطح کاشت مواد مخدر در افغانستان بردارند. به‌هرحال، امروزه چنین ادعا می‌شود که حاکمان طالبان و قاچاقچیان مواد مخدر، دست‌درست هم دارند و به‌شدت از هم حمایت می‌کنند.

از آمارهای رسمی و تاییدشده چنین برمی‌آید که در سال ۲۰۰۶، بیش از ۶۱۰۰ تن تریاک در افغانستان تولید شده که ۹۲ درصد کل تولید جهانی این ماده مخدر را تشکیل می‌دهد. ارزش مادی تریاک تولیدی در افغانستان در حال حاضر، ۳/۸ میلیارد دلار است که چیزی نزدیک به یک‌سوم کل اقتصاد این کشور را شامل می‌شود. از سویی دیگر، این مواد مخدر و اقتصاد پشت‌سر آن است که متغیرهای کلیدی اقتصاد افغانستان مانند نرخ بهره، نرخ تورم و حتی نرخ ارز افغانستان را تعیین می‌کند و مسوول رونق اقتصادی این کشور، مثلاً در بخش ساخت‌وساز در اطراف کابل شناخته می‌شود.

در کشور فقیری مثل افغانستان، مواد مخدر، تمام سازمان‌ها و ادارات را به فساد کشانده و در آنها نفوذ کرده است: در حال حاضر، اکثر قریب به اتفاق سلاطین مواد مخدر جهان با افتخار و عزت فراوان به عضویت دولت‌های محلی و ملی افغانستان درآمده‌اند و حتی با ریاست جمهور کنونی افغانستان، یعنی حامد کرزای، نشست و برخاست دارند! درنتیجه، هرگونه اقدامی در راستای جلوگیری از تولید، توزیع و تجارت مواد مخدر در افغانستان، از طرف هر مقام و شخصی باشد، در نطفه خفه خواهد شد. چه این مقام، وزیر کشور افغانستان باشد چه یک پلیس عادی و وظیفه‌شناس. پس بی‌دلیل نیست که یکی از پردرآمدترین مشاغل در افغانستان، تصدی پست‌های بازرسی در مرزهای افغانستان با همسایگانش است!





**طرح ضربتی دولت
افغانستان برای
مبارزه با مواد مخدر،
بیش از سه میلیون
دلار نصیب ۵۰۰ افسر
پلیس افغانستان و
نیروهای نظامی
آمریکا نموده است
که در قالب رشوه و
حق السکوت به آنها
پرداخت شده است!**



نجات دهند و منابع درآمدی قانونی و مطمئنی را برای آنها به وجود آورند.

با اینهمه مشکلات و نابسامانی‌های موجود در سیستم توزیع مواد مخدر دارویی، کمبود تجربه و مهارت افغان‌ها در استحصال داروهای مسکن و ضد درد و فقدان موسسات تحقیقات دارویی در افغانستان، موجب شده‌اند تا کلیه طرح‌های به‌اجرا درآمده در این حوزه، به اهداف مقرر خود منتهی نگردند و حتی موجب افزایش تقاضا برای داروهای مخدر غیرمجاز شوند. به‌طور کلی، وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر افغانستان، دست سیاستمداران و مجریان این کشور را در اجرای بموقع و مطلوب برنامه‌های مبارزه با تولید مواد مخدر (از طریق دادن انگیزه به کشاورزان و یا معلوم کردن مزارع خشخاش) شبیه آنچه در کشورهایی چون تایلند هند و ترکیه روی داده، بسته نگاهداشته است.

تشویق صادرات محصولات کشاورزی غیرمخدر و معرفی محصولات جایگزین و افزایش میزان قیمت و درآمدزایی این محصولات جایگزین خشخاش و استفاده از پتانسیل‌های موجود در افغانستان، به‌ویژه در تعامل با همسایگان این کشور، می‌تواند گامی اساسی در بهبود وضعیت مبارزه با تبعات منفی اقتصاد مواد مخدر به حساب آید. علاوه بر این، ارتقای سطح کیفی و کمی خدمات‌رسانی عمومی در افغانستان، به‌ویژه در بخش برق، آب آشامیدنی، راهسازی، بازاریابی برای محصولات جایگزین و افزایش امنیت اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز جلب سرمایه‌گذاری خارجی مولد و سالم در افغانستان گردد و ثروت عظیمی را به سمت این کشور بکشد و دست‌نخورده روانه سازد.

نهادهای بین‌المللی، از جمله سازمان ملل متحد و بانک جهانی نیز باید گام‌های امیدوارکننده‌ای را در راستای تحقق اهداف فوق‌الذکر بردارند، از جمله از طریق مبارزه جدی و پیگیر با قاچاقچیان مواد مخدر، فشار آوردن به دولت افغانستان برای افزایش سخت‌گیری بر قاچاقچیان و صاحبان لابراتوارهای تبدیل تریاک به هرویین، تغییر مداوم مأموران امنیتی و افسران پلیس در مناطق "تریاک‌خیز" با هدف کاهش احتمال تبانی آنها با سوداگران مرگ و اقدامات مشابه. با این حال، همه این اهداف تنها به وسیله یک دولت مقتدر و جسور، قابل تحقق است.

این کشور به آنجا آمده‌اند، نه برای تخریب و وارد آوردن زیان به آنها. در عمل نیز بارها مشاهده شده است که سربازان انگلیسی، نسبت به تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر، به‌ویژه تریاک در حوزه استحفاظی خود، بی‌تفاوت و بی‌تحرک عمل کرده‌اند!

چندی پیش، پرزیدنت کرزای، دستورالعملی را به سازمان‌های دولتی افغانستان ابلاغ نمود که براساس آن، مأموران دولتی اجازه دارند تا به صورت دستی یا به وسیله تراکتور، بوته‌های خشخاش را در صورت مشاهده نابود کنند، اما چنین دستورالعمل‌های پرنرمش و ملایمی نه تنها به بهبود اوضاع کمک نکرده، بلکه در استان‌هایی چون هلمند، بر وخامت اوضاع افزوده است. در استان هلمند، مأموران محلی و افسران پلیس، مسوول شناسایی، گزینش و نابودی مزارع خشخاش منطقه شده‌اند، اما در عمل مشغول "پارو کردن پول" هستند، زیرا کشاورزان ثروتمندتر و کسانی که دارای ارتباطات خاص با مقامات مسوول و دولتمردان افغان هستند، با دادن رشوه‌های کلان، خود و مزارع خشخاش خود را از ورطه نابودی نجات می‌دهند، حال آنکه کشاورزان فقیرتر که مورد حمایت جنگ‌سالاران افغان و سلاطین مواد مخدر نیستند، قربانی طرح‌های موقتی و محدود دولت می‌شوند. براساس گزارش رسمی پلیس افغانستان، طرح ضربتی دولت افغانستان برای مبارزه با مواد مخدر، بیش از سه میلیون دلار نصیب ۵۰۰ افسر پلیس افغانستان و نیروهای نظامی آمریکایی نموده است که در قالب رشوه و حق السکوت به آنها پرداخت شده است.

طی ماه‌های اخیر، میانگین درآمد یک افسر پلیس افغانستان در استان هلمند، ماهانه ۱۰۷۰ دلار بوده که از این بین، هزار دلار به صورت رشوه و پرداخت‌های غیرمجاز و فقط ۷۰ دلار به صورت حقوق ماهانه و رسمی بوده است. بنابه‌ادعای افسران رشوه‌خوار افغان، به دلیل عدم وجود امنیت شغلی و تامین جانی در افغانستان، دریافت رشوه از سلاطین مواد مخدر، امری موجه و مرجح تلقی می‌گردد.

تجربیات دیگر کشورها

آیا افغانستان می‌تواند از موفقیت سایر کشورها در امر مبارزه با مواد مخدر درس بگیرد؟ تایلند توانست با درپیش گرفتن سیاست‌های تشویقی و ارایه آلترناتیوهای مناسب و پرجاذبه، بر غول مواد مخدر غلبه کند و بدین طریق، در سال‌های دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، به رشد اقتصادی پایدار و متکی به اقتصاد سالم - و نه زیرزمینی - دست یابد. کشورهای ترکیه و هند نیز می‌توانند الگوهای خوبی برای افغانستان باشند: این کشورها توانستند با قانونی‌اعلام کردن محدود و هدفمند تولید "مواد مخدر مفید" مانند مرفین و کدیین، به موفقیت‌های مثال‌زدنی و خوبی در حوزه مقابله با اقتصاد مواد مخدر دست یابند و علاوه بر این، کشاورزانی را که به دلایل مختلف به کاشت مواد مخدر دست می‌یازیدند، از چنگال سوداگران مرگ و سلاطین مواد مخدر،

زیرنویس مترجم

۱) لازم به ذکر است که بررسی‌های سال ۲۰۰۸ سازمان ملل متحد حاکی از آن است که به دلیل رهبری قوی دولت افغانستان و بدی آب و هوا، میزان کشت خشخاش در سال ۲۰۰۷ حدود ۱۹ درصد کاهش یافته است (سرمایه ۲۶ شهریور ۱۳۸۷).